

خبر



برلیناله ۲۰۲۶ با تجلیل از میشل ینو شروع شد

مهر: مراسم افتتاحیه برلیناله با سخنرانی‌های تأثیرگذار شان بیکر و میشل ینو، تأکید بر سینمای مستقل و اشاره‌ای اندک به سیاست، با لحنی امیدوارکننده شروع شد.

شان بیکر، بلا رمزی، کریم عینوز، نیل پاتریک هریس، رادو جود، دنیل برول و لارس آیدینگر از جمله این ستارگان بودند.

در این مراسم بیکر برای اهدای جایزه خرس طلای افتخاری امسال به میشل ینو، برنده اسکار، روی صحنه رفت. او هنگام ورود به صحنه، برلیناله را به عنوان «جشنواره‌ای که همیشه از صداهای جسورانه، افراد ریسک‌پذیر و هنرمندانی که از فرارگرفتن در یک چارچوب واحد امتناع می‌کنند» ستایش کرد و از میشل ینو به عنوان چهاره‌ای یاد کرد که فقط در فیلم‌ها ظاهر نمی‌شود، بلکه از آن دسته افرادی است که دمای اتاق را از نو تعریف می‌کنند.

ینو هم یادآور شد برلین همیشه از هنرمندان جسور حمایت می‌کند و افزود که وقتی هنرمند جوانی بود، برلین از او استقبال کرد. ینو با تشویق ایستاده جمعیت روبه‌رو شد که تحت تأثیر سخنرانی او قرار گرفته بودند.

نکته‌ای که به طور قابل توجهی در مراسم افتتاحیه غایب بود، تأکید بر سیاست و رویدادهای جاری بود. برخلاف سال گذشته که تیلدا سوینتون سخنرانی آتشینی ایراد کرد و در آن قتل عام و طرح ترامپ برای تبدیل غزه به یک رویبورا را محکوم کرد، مراسم این دوره به هنر فیلم‌سازی متمرکز بود و ینو در سخنرانی خود فقط به «جهانی تقسیم‌شده» اشاره کرد.

هیئت داوران مسابقه، به رهبری ویم وندرس، کارگردان آلمانی نیز در کنفرانس مطبوعاتی خود در اوایل روز تمایلی به بحث درمورد مسائل سیاسی نداشت. وندرس گفت: ما باید از سیاست دوری کنیم، زیرا اگر فیلم‌هایی بسازیم که کاملاً سیاسی باشند، وارد عرصه سیاست می‌شویم اما ما وزنه تعادل سیاست هستیم، ما نقطه مقابل سیاست هستیم، ما باید کار مردم را انجام دهیم، نه کار سیاست‌مداران را...

تریشیا تاتل، رئیس جشنواره که دومین سال ریاست خود در برلیناله را پشت سر می‌گذارد نیز در طول حضورش روی صحنه بر فیلم‌سازی مستقل تمرکز کرد و گفت احساس می‌کند این صنعت در وضعیت بسیار خوبی است.

فیلم افتتاحیه امسال «مردان خوب نیستند» ساخته شهریار سادات، کارگردان مشهور افغان، در قالب یک کمدی رمانتیک، داستان یک فیلم‌بردار زن در یک ایستگاه تلویزیونی در کابل را دنبال می‌کند که درست قبل از سقوط کابل به دست طالبان در سال ۲۰۲۱، با روزنامه‌نگار مرد مشهور این ایستگاه درگیر می‌شود. جشنواره فیلم برلین تا ۲۲ فوریه ادامه دارد.

نمایش و تحلیل فیلم‌تئاتر «دوشن ملفی» در سینما تک خانه هنرمندان ایران

پنجاهوپنجمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای شاخص، با نمایش فیلم‌تئاتر «دوشن ملفی» (۲۰۱۴) به کارگردانی دومینیک درومگول، چهارمین و آخرین برنامه از بسته «گفتمان اقتدار؛ بازخوانی قدرت» با همکاری مشترک انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینما تک خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

پس از نمایش این فیلم‌تئاتر، نشست نقد و تحلیل آن با حضور بابک احمدی (روزنامه‌نگار و منتقد تئاتر) برگزار می‌شود. این فیلم‌تئاتر براساس سوگ‌نمایش مشهور جان بوستر ساخته شد؛ متنی که ابتدا براساس یک ماجرای واقعی در کتاب «قصر عیش» ویلیام پیئتر به رشته تحریر درآمد.

جما آرتورتون، جیمز کارنون، گابیل کوپر و... در این اثر ایفا نقش کردند. نمایش و نشست تحلیلی این فیلم‌تئاتر، چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴ از ساعت ۱۷ در سالن استاد ناصری خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد.

افقی:

۱- حرف همراهی- تنگدست- بی‌تاپ و ناراحت
۲- حلقوم- کاشف اشعه ایکس- واحدی برای شمارش کلا
۳- رنگ سیاه- ساز خطه خراسان- دارای طول زمانی ۴- قسمتی از پا- قرارداده‌شده- تلف همراه
۵- کتاب شیخ صدوق- موازی
۶- آفریننده- مجموع کارکنان یک اداره- از چهره‌های مؤثر حزب نازی
۷- جاذبه- داخلی- مراقب و نگهبان
۸- محصول نهایی سینما- خیزاب‌های دریا- نهایی
۹- نیرومند- ابزار رایج تبلیغات تجاری- بنایی تجاری در بازارهای سنتی و قدیمی
۱۰- مادر عرب- پایتخت سلسله زندیه- آهنگر
۱۱- مفید و مؤثر- از شخصیت‌های داستان‌های هزارویک شب
۱۲- از انواع تراش‌های الماس در جواهرسازی- نوعی شیرینی شکلاتی- نوعی کیک
۱۳- پول ترکمنستان- منسوب به آخرت- فعلی‌که به معقول نیاز ندارد
۱۴- خدعه و تیرنک- فراخوانده‌شده- اروپایی
۱۵- نوعی نوشیدنی میوه‌ای- مسافر پیاده- فرمان اتومبیل

عمودی:

۱- شهری تاریخی در ازبکستان- دوستان نزدیک- مقدور
۲- فرستان- علم بررسی مکانیک بدن موجودات زنده
۳- مجموعه‌داستانی نوشته رضا استادی- دوستی خالص
۴- حرفش یکی است- همیشه- همکاری در انجام کاری
۵- یک و دو- اصطکاک- فلاکت و بدبختی- تلخ
۶- باریک‌بین- نوشته‌ای از جلال آل‌احمد
۷- لزوم- موافق- محافظ کل
۸- نوعی میمون- وسیله مصنوعی جانشین برای جبران نقص

نمایش «رستم و اسفندیار» که هم‌اکنون در کارگاه نمایش بر صحنه است، نمایشی متفاوت و جذاب است. برخلاف تصور تماشاگران، این نمایش روایت داستان حماسی نبرد رستم و اسفندیار آنچنان که در شاهنامه آمده است

نیست، بلکه روایتی متفاوت و ترازیک از منظر «کتابون»، مادر اسفندیار است؛ روایتی که به ترازدی پهلوی می‌زند تا حماسه. درواقع نویسندگان و کارگردانان این نمایش، «داریوش نصیری»، «سعید قاسمی» و «رضا حسن‌خانی» با ذوق و هوشمندی داستانی حماسی را تبدیل به یک تراژدی کرده‌اند. درخشش خانم «نگین زینی‌وند» در نقش کتابون بدون تردید یکی از دلایل موفقیت این نمایش است. اما بگزارید این ماجرای «پرآب چشم» را از منظر دیگر بنگریم. در تاریخ پادشاهی در ایران و شاید در بیشتر نقاط جهان یکی از دغدغه‌های ابدی پادشاهان مسئله جانشینی است. آنان همگی می‌دانند که از مرگ گریزی نیست و جهان بعد از درگذشت آنان به آخر نخواهد رسید. طبق سنت پادشاهی فرزند دژور که از خون آنان است، بر جای ایشان خواهد نشست و به همت او پادشاهی آنان علی‌الدوام ادامه یافته و نام ایشان به جاودانگی خواهد پیوست. اما وقوف به این حقیقت، به‌ویژه در ایام کهنسالی گویی به‌طور هم‌زمان فرزند بزرگ‌تر را تبدیل به تهدید می‌کند، مبدا که چون ماری پرورده در آستین به هنگام پیری و ضعف از فرمان پدر سر برتافته و زود هنگام سودای تاج و تخت در سر پرورد. به‌ویژه اگر همچو اسفندیار شجاع و دلیر و محبوب همکان باشد و از هر نظر شایستگی فرمانروایی داشته باشد. ولیعهدی که قرار است ادامه‌دهنده یا برافرانده نام کرچه بعد از وفات آنان تاریخ به راهی دیگر رفت. همچنین پادشاهان قاجار که محل استقرار است تا ناگاه پدر را فرکوشد و در جای او بنشیند.

نادرشاه و شاه عباس از جمله معروف‌ترین این پادشاهان تاریخ ما هستند. حتی آقامحمدخان که نمی‌توانست فرزندی داشته باشد، برادران خود را یکی بعد از دیگری خفه کرد. محمود غزنوی پسرش مسعود را به اصفهان فرستاد و هارون نیز مأمون را به ولایت خراسان گماشت تا از دربار دور باشند و این پادشاه و خلیفه دور از چشم پسران ارشد، پسر کوچک‌تر را به ولایتعهدی برگزیدند، گرچه بعد از وفات آنان تاریخ به راهی دیگر رفت. همچنین پادشاهان قاجار که محل استقرار ولایتعهدی را در تبریز قرار دادند درحالی که می‌بایست ولایتعهد در مرکز قدرت آموزش ببیند. رضاشاه شخصیت فرزند دژور ارشدش را چنان لکدمال کرد که پسرش کینه او را به دل گرفت و بعد از او به صد بهانه از بزرگداشت یاد پدر تن می‌زد و حتی کتابی که «ابراهیم خواجه نوری» در مورد فتوحات رضاشاه نوشت، بایگانی کرد. بر این فهرست می‌توان اسامی بسیاری افزود.

در داستان‌های شاهنامه نیز این رقابت پنهان پدر و پسر بر سر قدرت به اشکال مختلف آمده است. «کیکاووس» در دلش از نیکی و زیبایی فرزندش «سیاووش» واهمه دارد. برای همین او را آواره غربت می‌کند تا راحت

و امنیت را در میان دشمنان پدرش بیابد. از آن مهم‌تر داستان «گشتاسب» و «اسفندیار» است. اگر گشتاسب از ایران و از دربار پدر گریخته و به سرزمین روم می‌رود و داماد قیصر روم می‌شود، به این دلیل است که پدرش «لهراسب» از حضور او در بارگاه و نزدیکی به تاج و تخت خودش نگران است. جایگاه شایسته را از او دریغ می‌کند تا نتواند به قدرت چنگ بیندازد. گشتاسب نیز همه لذات و نعمات فرزند پادشاه ایران بودن را رها کرده تا در روم بتواند به هر طریقی گذران کند و در نهایت پیشکار دهقانی رومی می‌شود. او آنچنان پهلوان و برآزنده است که قیصر روم به اتکای او به فکر باج و خراج‌خواهی از همسایگان می‌افتد و در نهایت همین گشتاسب سبب دورماندن ندان طمع قیصر روم از خاک ایران می‌شود. بعد از به قول طبری «خبر یافتن» لهراسب، فرزند و نامدارش گشتاسب در جای او می‌شنید و از کتابون که در میان زنان شاهنامه زیباترین روی و روح و اخلاق و استواری را دارد، دارای دو فرزند می‌شود. بزرگ‌ترین آنان اسفندیار است. لازم به یادآوری نیست که گشتاسب اولین پادشاهی بود که آیین «اشو زرتشت» را پذیرفت و برای برآکندن این آیین جدید کوشش‌ها کرد. چنان که در اوستا از او بارها نام برده شده و حتی به روایتی زرتشت او را به معراج و به دیدار «اهورامزده» برده است. گشتاسب مرد باایمانی بوده و مورد تأیید اهورامزدا. از قضا اشو زرتشت به پاس قدردانی از گشتاسب و دوام سلسله پادشاهی او، فرزندش اسفندیار را در آب مقدس می‌شوید تا روین‌تن شود. اسفندیار برمی‌یابد و به پهلوانی یگانه تبدیل می‌شود و در جنگ با تورانیان پیروز می‌شود. هیچ‌کس شایسته‌تر از او برای جانشینی گشتاسب نیست، برومند و داهی و روین‌تن. اما گشتاسب تاب تحمل او را در کنار خویش ندارد و بیش از پیش نگران جایگاه خویش است. او با همه ایمان و اعتقادات مذهبی، آن تجربه بدبینی پدرش، لهراسب را نسبت به خودش در ذهن دارد و از مایخولیای هراس از پسر خواب و آرام ندارد. پس باید چاره‌ای اندیشید. از سوی دیگر نگران قدرت رستم نیز هست. هریک از این دو که دیگری را از میان بردارد، به نفع اوست. درواقع از اتحاد و همدستی آن دو تن می‌ترسد. پس اسفندیار را به راهی بی‌ بازگشت می‌فرستد. او باید به زابلستان رفته و رستم دستان را اسیر کرده و با دست بسته به خدمت پادشاه بیاورد. ادامه ماجرا و نتیجه آن جنگ را همگان می‌دانند. رستم در میانه نبرد درمی‌ماند و سمرغ راز چشمان اسفندیار را بر او آشکار می‌کند. شکست رستم نه دلخواه فردوسی است و نه آرزوی مخاطبانش. اسفندیار آن شاه جوان با تمام روین‌تنی نخواهد توانست آن یگانه دوران را اسیر و

نگاهی به نمایش رستم و اسفندیار

بازنمایی یک تراژدی از یک داستان حماسی

حمیدماجو

در بند کند یا سرش را برای پدر بفرستد. او مغلوب خواهد شد و کتابون مادرش این را می‌داند. درواقع داستان «نمایش رستم و اسفندیار» از اینجا آغاز می‌شود. پیکر خونین اسفندیار بر صحنه (شن‌زارهای تفتیده زابلستان) بر خاک افتاده است. آن هیمنه و شکوه شاهزاده از میان رفته و اینک کتابون مانده است و آن جسم بی‌جان. چه می‌توان کرد جز زاری و ضجه‌زدن؟ به کجا می‌توان شکایت برد و چه کسی را باید نفرین کرد؟ بازنگر نمایش در هیئت کتابون بر این تقدیر شوم می‌گرید و به جنازه او می‌گوید چرا هشدارهای مادر را به گوش نگرفت و چرا چنین سرنوشتی را برای خودش و او رقم زد؟ کتابون آن روشن‌بینی را داشته که عاقبت این نبرد نابرابر را پیش‌بینی کند. اما نصایح مادر کی می‌تواند آن شور پیروزی را در جان پسر خاموش کند؟ سپس کتابون در نقش مادر اسفندیار و همسر گشتاسب به او روم‌ی‌کند که درواقع گناه این قتل بر گردن اوست. کتابون از قصد پنهانی و نفرت‌آور شوهرش گشتاسب پرده برمی‌دارد و آنچه در شاهنامه نیامده است را بازنمایی کند.

دمی بعد بازیگر تاج گشتاسب را بر سر می‌گذارد تا ما با شخصیت خودخواه و قدرت‌طلب او آشنا شویم؛ پدری که تاج شاهی بر سر دارد و ایمان اهورامزدا را در دل. بازیگر نمایش در بخشی دیگر نقش اسفندیار قبل از نبرد را بازی می‌کند و خوش‌بینی او نسبت به پدر و ضرورت اطاعت از فرمان او. ظرفیافتن بر رستم خیالی خام اما برانگیزنده است آنچنان که باره می‌بندد و پیشاپیش سپاه خود به زابلستان می‌رود. بعد بازیگر به نقش رستم درمی‌آید که به اسفندیار هشدار می‌دهد و طیت بد پدرش را بر او آشکار می‌کند. بالاخره آن جنگ شوم اتفاق می‌افتد و یک ایرانی، ایرانی دیگری را در جایگاه دسمن می‌نشانند. رستم از این بردگرشی بیزار است اما چه می‌توان گفت که آن تقدیر راهی برای گریز نمی‌گذارد. داستان رستم و اسفندیار هنگامی که از زبان فردوسی و شاهنامه روایت می‌شود روایت یک حماسه است. بازنمایی کارزار دو پهلوان که یکی مظهر خیر است (رستم) و دیگری نماد خودخواهی و جاه‌طلبی و حتی فرمانبری کورکورانه (اسفندیار). پس می‌تواند نماد شر یا آن بخش طای روح آدمی باشد. اما همین داستان چون از چشم کتابون و از زبان او روایت می‌شود، تبدیل به تراژدی می‌شود. کتابون از پیش پایان این نبرد و گشته‌شدن پسرش را می‌داند. او از پایانی که سرنوشت برای خودش و آن دو نفر مقدر کرده، آگاه است و به قدر توان خویش می‌کوشد پسرش را از رفتن به این جنگ بازدارد. او می‌داند رستم و اسفندیار بازیچه دست تقدیری هستند که در تراژدی‌ها خدایان و در اینجا گشتاسب برای آنان رقم زده است. اما توان بازداشتن آنان را ندارد (کتابون در روم بزرگ شده و پرورش یافته است). در حماسه یکی برنده است و دیگری بازنده. هرکدام از آنان پیروز شوند، خسران است. خسران برای او؛ زیرا کتابون آرزوی مرگ رستم را نیز ندارد. آنچه درنهایت بر جای می‌ماند، ضجه و اندوه کتابون است و دست‌بسته‌بودن در مقابل سرنوشت و در اینجا قدرت و نیت پلید گشتاسب.

آنچنان که اشاره شد، نویسندگان و کارگردان این نمایش یک داستان حماسی آشنا را از منظری روایت می‌کنند که همان اتفاق به تراژدی تبدیل می‌شود. حالا دیگر مرگ اسفندیار همچون مرگ سهراب یکی داستانی است پرآب چشم.

مهم‌ترین نقطه قوت این نمایش انتخاب بازیگر آن است. نگین زینی‌وند به‌خوبی در نقش‌های متعدد و متفاوتی که دارد ظاهر می‌شود. مادری که هم‌زمان سرشار از مهر مادری و اندوه فقدان اوست. هم به پسرش افتخار می‌کند و هم از زایلیدن او نادم است؛ چراکه رنجی غیرقابل تحمل نصیبش کرده است. زبان متن این نمایش زبانی تزیین‌شده و تا حدی آرکائیک و البته متناسب با فضای داستان و نمایش است و شنیدن آن از زبان بازیگر خوشایند است. صدای بازیگر و کلماتی که ادا می‌کند، کاملاً واضح است. طراحی لباس بازیگر نمایش و تغییر این پوشش متناسب با هر صحنه، بی‌آنکه توقفی در اجرای نمایش ایجاد کند، نشانه خوش‌ذوقی طراح لباس است. همچنین طراحی صحنه علی‌رغم آلات و ادوات مختصری که استفاده شده، با نمایش تناسب دارد. مثلاً ترسیم و خط‌کشی میدان برای هر دو لشکر به صورت دو خط متقاطع و با دو روبان قرمز و کشیدن خط آبی که نماد رودخانه هیرمند است در وسط این میدان در بازآفرینی فضای میدان تقابل دو پهلوان جالب است. در سراسر نمایش (به غیر از لحظاتی که نبرد به اوج می‌رسد و باران خون جاری می‌شود) ما صدای سلوی ویولنی را می‌شنویم که آهنگی در گام مینور را می‌نوازد تا تداعی‌کننده یا حتی تشدیدکننده فراق و اندوه عمیق کتابون باشد. بی‌تردید انتخاب‌های بهتری برای موسیقی صحنه‌ها وجود دارد. بر صحنه آمدن این نمایش کوتاه نشانگر کوشش‌های منفردی است که اینجا و آنجا برای اعتلا و استقلال نمایش در ایران انجام می‌شود؛ کوشش‌هایی که به تئاتر همچون خلق اثری هنری می‌نگرد، نه یک فعالیت اقتصادی سودمند و سرگرم‌کننده. نمایشی که از بدن زندگی و تاریخ ایران و هنر ایران زاییده می‌شود و حرفی برای جامعه امروز ایران دارد. خوش‌بختانه حدود دو ماه قبل در همین سالن نمایشی با نام «کورتات تن در لافه‌های باد» به صحنه آمده بود که آن هم همانند نمایش رستم و اسفندیار در جای خود کوششی درخور ستایش برای ساخت نمایشی مستقل در روند اعتلای تئاتر در ایران محسوب می‌شد. نمایشی برخاسته از فرهنگ و تاریخ ایران و بیان‌کننده «درجهان‌بودگی» انسان ایرانی و این کوشش‌ها قابل تقدیر است.

یادداشت

«کارواش»؛ روایت جسورانه از مبارزه با فساد مالی

فرزانه‌متین

فیلم «کارواش» یک تریلر اجتماعی- اقتصادی جسورانه است که با تمرکز بر فساد مالی و پول‌شویی سازمان‌یافته، داستان هیجان‌انگیزی از مبارزه یک مأمور مالیاتی به نام «کاوه» را روایت می‌کند. پس از ازدست‌دادن همکارش، او وارد یک پرونده پیچیده علیه یک شخصیت بانفوذ می‌شود و لایه‌های پنهان رانت و فساد را برملا می‌کند. فضای فیلم پسر از تعلیق و افساگری است و به‌وضوح نشان می‌دهد چگونه این چرخه‌های پنهان بر زندگی روزمره مردم تأثیر می‌گذارد. این اثر با وجود شباهت‌هایی به سیرال‌های امنیتی پرطرفدار تلویزیون، تلاش کرده مسائل سنگین اقتصادی را به زبانی ساده و قابل فهم به تصویر بکشد.

«کارواش» با جسارت به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه امروز پرداخته و سوزهای به‌روز و هشداردهنده را انتخاب کرده است. تیم سازنده موفق شده‌اند چرخه فساد و پیامدهای عادی‌شدن آن را به تصویر بکشند، بدون اینکه به شخص یا پرونده خاصی اشاره کنند. هدف اصلی آگاهی‌بخشی و حساس‌کردن مخاطب به این معضل است. بازیگران، به‌ویژه امیر آقایی در نقش اصلی، توانسته‌اند شخصیت‌های پیچیده و واقعی را به‌خوبی ایفا کنند و از نقاط قوت فیلم به شمار می‌روند. کارگردانی نیز با ریتم مناسب، استفاده از موسیقی و صحنه‌های پرتنش، حس تعلیق و جدیت، موضوع را به‌خوبی منتقل کرده است.

با حضور ستاره‌ای چون امیر آقایی که یکی از چهره‌های برجسته جشنواره امسال است، فیلم در فضایی جدی و متمرکز به نمایش درآمد. بسیاری از خبرنگاران و منتقدان از انتخاب موضوع مهم و عدالت‌جویانه فیلم استقبال کردند و آن اثری آگاهی‌بخش و مرتبط با مسائل روز دانستند. سوزّه مبارزه با فساد و پول‌شویی برای بخش زیادی از مخاطبان جذاب است و نشان می‌دهد سینما می‌تواند در طرح این مسائل نقش مؤثری ایفا کند. در مجموع «کارواش» فیلمی است که حرف مهمی برای گفتن دارد و احتمالاً در بحث‌های جشنواره و بعد از آن، به عنوان اثری مسئله‌محور و هشداردهنده مورد توجه قرار خواهد گرفت.



جدول ۵۲۶۵ :طراح: بیژن گورانی

			۸	۹	
۷	۴	۶	۹		
			۵		
	۸	۷	۲	۶	۹
	۲		۴	۸	
	۵	۶	۱	۴	۷
۶			۶		۱
				۵	۲
			۵	۷	

			۵	۲	۳	۱
		۸	۱	۷		۵
					۹	۱
			۳	۴	۵	
				۹		
	۳			۸	۵	۶
	۷	۱		۲	۸	

سودوکو سخت ۴۲۶۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۲۶۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۲۶۰

۳	۸	۹	۳	۶	۵	۱	۷	۲
۲	۱	۵	۸	۷	۹	۶	۳	۴
۷	۶	۴	۳	۱	۹	۸	۵	
۵	۴	۱	۳	۹	۲	۷	۵	۸
۶	۳	۷	۱	۵	۸	۲	۹	۴
۹	۲	۸	۷	۴	۶	۳	۵	۱
۷	۲	۷	۹	۸	۳	۵	۱	۶
۱	۹	۶	۵	۲	۴	۸	۳	۷
۴	۵	۳	۶	۱	۷	۲	۴	۹

۱	۶	۳	۲	۴	۷	۵	۹	۸
۷	۲	۴	۸	۵	۹	۳	۶	۱
۸	۹	۵	۶	۳	۱	۷	۴	۲
۴	۱	۶	۳	۲	۸	۵	۷	۹
۵	۷	۸	۱	۶	۳	۹	۲	۴
۲	۳	۹	۷	۸	۵	۶	۱	۴
۹	۳	۲	۵	۷	۸	۱	۳	۶
۱	۴	۱	۶	۹	۲	۷	۵	۸
۶	۵	۷	۳	۱	۲	۴	۸	۹

حل جدول ۵۲۶۴

۱۵	۱۲	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۴	۳	۲	۱	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۳	۲	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۴	۳	۲	۱	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۵	۴	۳	۲	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶	۵	۴	۳	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۷	۶	۵	۴	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۸	۷	۶	۵	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۹	۸	۷	۶	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۱۰	۹	۸	۷	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱۱	۱۰	۹	۸	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵